



اول می بر کارگران جهان مبارک باد!

با اینکه امپریالیست های خونخوار به سرکردگی ایالات متحده آمریکا، بیدریغ به تجاوز بر کشورهای جهان و استثمار زحمتکشان دنیا می پردازند، گرامیداشت اول می از سوی انقلابیون کارگری در جهان، چون خنجری بر چشم سرمایه حواله شده و جنایتکاران امپریالیست را به تب مرگ می اندازد. تجلیل ازین روز یاد توفان شعله خیز کارگران شیکاگو است که برای سرنگونی کاخ سرمایه به پا خاسته بودند و اینک سالهای سال پرولتاریای انقلابی جهان با برپایی جشن های پرشکوهی، آن را زنده نگه می دارند.

در چهارم ماه می ۱۸۸۶ و در روز چهارم اعتصاب کارگران آمریکایی در شهر شیکاگو، پولیس بر روی آنان آتش گشود که عده ای از کارگران شهید و عده ای زخمی و بعد چهار کارگر پیشرو اعدام شدند. کارگران اعتصابی خواهان تعدیل شرایط کار و کاهش ساعات روزانه کار از ده ساعت به هشت ساعت بودند. قرار بود که در اول ماه می ۱۸۸۶ در ایالات متحده آمریکا، ساعات کار در روزی به هشت ساعت تقلیل یابد که چنین نشد و در نتیجه کارگران در هر گوشه و کنار آمریکا دست به تظاهرات خشمگینی زدند که در ۱۲۰۰ کارخانه آن کشور اعتصاب به راه افتاد. تعداد کارگران اعتصابی تنها در شهر شیکاگو به ۹۰ هزار تن رسید. در روز چهارم اعتصاب، کارگران شیکاگو در میدان «بیده» تجمع کرده و ازین جا به حرکت افتادند. سخنرانان بر گادی سوار و شعار می دادند که به زودی اطراف آنان را پولیس سرمایه محاصره و خواستار متفرق شدن مظاهرة کنندگان شد. در همین اثنا در نزدیک تجمع انفجاری رخ داد و در آن یک پولیس کشته و چند پولیس با چند کارگر زخمی شدند. پولیس بر تظاهرکنندگان آتش گشود که باعث کشته و زخمی شدن کارگران بسیاری شد. پولیس با این عمل وحشیانه موفق به متفرق کردن کارگران گردید. دولت هشت تن ازین کارگران را به عنوان محرکان اصلی تظاهرات دستگیر نمود که پنج تن آنان کارگران مهاجر آلمانی و یک تن آلمانی تبعه آمریکا بود. محکمه قهار سرمایه یکی ازین هشت تن را به ۱۵ سال حبس و بقیه را به اعدام محکوم کرد. اما فرماندار ایالت، اعدام دو تن را به حبس ابد تقلیل داد و یکی قبل از اعدام خودکشی نمود و چهار تن دیگر حلق آویز شدند.

با رسیدن اخبار شیکاگو و برخورد حاکمیت سرمایه با کارگران اعتراضی این شهر که در آن دهها کارگر کشته و زخمی شده بودند، در هر گوشه و کنار آمریکا و نقاط مختلف جهان مجالس یادبودی برپا و به تدریج اول می به عنوان روز جهانی کارگر نام گرفت، و اینک کمونیست های انقلابی که کارگران را طبقه دوران ساز می دانند، هر سال با به راه انداختن رهیمایی ها و انتشار اعلامیه ها، اول می را به تجلیل می گیرند و یاد کارگران جان باخته شیکاگو را گرامی می دارند.

پراتیک انقلابی در یک قرن گذشته به اثبات رسانده که فقط کارگران اند که با رهبری زحمتکشان دیگر قادر به تغییر ریشه ای در روابط و مناسبات طبقاتی جامعه شده، دنیای عاری از استثمار فرد از فرد را می آفرینند. انقلاب کبیر اکتوبر و بعد انقلاب عظیم خلق چین با رهبران کبیری چون لنین، ستالین و مائوتسه دون این حقیقت را به اثبات رساندند و یاهو سرایی های پوچ تیورسن های بورژوازی مبنی بر جاودانگی سرمایه را نقش بر آب نمودند. با اینکه خیانت ریویزیونیست های شوروی به رهبری خروشچف در دهه پنجاه و بعد پشت کردن ریویزیونیست های چینی به رهبری دنگ شیائوپنگ در دهه هفتاد به علم فناپذیر مارکسیزم و انقلاب پرولتری، بورژوازی را در شادی مرگک عجیبی فرو برد، اما چون سرمایه با رسیدن به انحصار ناگزیر در راه احتضار قدم می گذارد و راهی جز نابودی ندارد، بار دیگر توفان نبرد خلق های جهان به زودی خواب ابدیت را از چشم امپریالیست ها خواهد ربود، و اینک شلیک گلوله های انقلابیون در آسیا، افریقا و آمریکای لاتین آغاز و نه چندان دیر این غریو رساتر کاخ سرمایه را به لرزه خواهد انداخت.

زحمتکشان افغانستان و در رأس همه طبقه دوران ساز کارگر، که درین سی سال تلفات گسترده ای را متحمل شده، در حالی به پیشواز اول می می روند که کشور شان در اشغال کامل لاشخوران سرمایه به رهبری امپریالیزم امریکا قرار دارد و به این خاطر در جهنم تجاوز و اشغال می سوزند. امروز زحمتکشان افغانستان بدترین دوران عمر شان را به سر برده و نه تنها در بیکاری و فقر دست و پا می زنند، که مجبور اند برای فروش نیروی کار شان به کشورهای دیگر فرار کنند و بی کوچکترین مصونیت کاری و جانی در کنار فروش ارزان نیروی کار، بدترین توهین و تحقیر را متحمل شوند. دلالت سرمایه در افغانستان سر به پای اشغال سوده و با پخش و گسترش مواد مخدر طیف وسیعی از زحمتکشان کشور را به مواد مخدر معتاد نموده، و خودکشی و خود سوزی میان زنان زحمتکشان کشور چنان بالا گرفته که در جهان نظیر ندارد. درین حال برخی از چپ های منحرف که در مغالزه با اشغالگران از حمایت آنان به خود می بالند و مدال های شان را قلاده حلقوم شان می نمایند، جنبش پرولتری کشور را از عقب خنجر زده و با سکوت در تبلیغ علم رهایی پرولتاریا، شب و روز با انجوا، پروپوزل و فند، پاهای امپریالیست های امریکایی و ایتالیایی را می لیسند. اینان به فرمایش اشغالگران با سازماندهی حزب و انجمن های بیمایه، میخ اشغال را هرچه محکمتر می کوبند و برای خوشنودی اشغالگران، چپ و راست «بشر دوست» شده و برای رهایی توده ها، آستان یوناما را آدرس می دهند، و به این صورت جنبش پرولتری افغانستان را که با خون هزاران کمونیست رنگین شده به سخره می گیرند. چپ های بی جبهه و منحرف، برای هشت مارچ که با فند سرمایه پولساز شده، در سالون های مفشن و در حضور «دونرها» با دنات و پستی قرآن خوانی، گلو می درند و در مورد اول می که سخت چپ انقلابی و ضد انقلابی را از هم جدا می سازد، با این هراس که مستمری اشغالگران را خواهند باخت، کلمه ای بر زبان نمی رانند. اما چپ انقلابی افغانستان که در تلاش از میان برداشتن فاصله با جنبش پرولتری، شب از روز نمی شناسد، در شرایط کنونی نسبت به هر زمانی وظیفه سنگین تری را بر دوش می کشد، چون فقط با حزب نیرومند پرولتاریایی که از درون خون و آتش کارگری سر بلند کرده باشد، قادر به رهبری جنبش بزرگ ضد اشغال و پیمودن راه خارا این ایجاد جامعه بی طبقه خواهد بود، کاری که بی وقفه برای ایجاد آن تلاش می ورزد و بی هراس به پیش می راند.

سازمان انقلابی افغانستان که خود را جزئی از جنبش انقلابی پرولتری افغانستان و جهان می داند و با تعهد پولادین و خلل ناپذیر به مارکسیزم، لنینیزم، اندیشه مائوتسه دون در راه بی چیزترین طبقه شمشیر می زند، روز اول می را به کارگران جهان شادباش گفته و به روح کارگران دلاور شیکاگو، دیگر نقاط جهان و کارگران و زحمتکشان شهید افغانستان که درین چند سال با بمباران جنایتکاران سوسیال امپریالیزم، امپریالیزم و مزدوران جنگسالار و طالب جان باخته، درود می فرستد و یکبار دیگر درین روز بزرگ پیمان می بندد که جز به بیرون راندن اشغالگران و ایستادن در پیشاپیش جنبش زحمتکشان افغانستان برای ایجاد جامعه عاری از طبقه نیاندیشیده و تا فتح قله های بلند پیروزی از پا نشیند.

مرگ بر امپریالیزم در راه سوسیالیزم، به پیش

سازمان انقلابی افغانستان

اول می ۲۰۱۰